

ORIGINAL ARTICLE

The Political - Economic Situation of the Sasanid Āsōristān state with Madā'en as capital and its connection to Arabs conquest (590-651 AD)

Kaykhosrow Khosravi Nejad¹, Soheila Torabi Farsani^{2*}, Esmaeil Sangari³

¹ Ph.D. Student of Pre- Islamic Iran History, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

² Associate Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

³ Associate Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Correspondence

Soheila Torabi Farsani

Email: Tfarsani@yahoo.com

How to cite

Khosravi Nejad, K., Torabi Farsani, S. & Sangari, E (2023). The Political - Economic Situation of the Sasanid Āsōristān state with Madā'en as capital and its connection to Arabs conquest (590-651 AD), *Iran Local Histories*, 11(2), 53-68.

ABSTRACT

The constant selection of Tisphoon in Āsōristān state as capital by the Sasanid emperors showed the importance of this region in their governance system. The construction of new cities and the development of urban infrastructures, such as water structures, and promotion of agriculture by the Sasanids show that they paid special attention to the political-economic role of Āsōristān cities. Hence, it is important to investigate the political-economic situation of this region, particularly in the last half century of the Sasanid dynasty, which finally led to the fall of this dynasty. This research using library sources and descriptive analytical method, seeks to find an answer to this question: what effect did the political -economic situation of the Āsōristān state with Madā'en as capital have on the fall and conquest of it by Muslim Arabs? The findings show that different wars, the diseases such as plague, and floods destroyed vital parts of the Sassanid irrigation system and consequently decreased government revenues. Economic decline led to the downfall of imperial military force, too. On the other hand, the change in the demographic composition of the state due to the migration of ethnic groups or change of people's religion had negative effects on the Iranians' resistance. Many residents of the cities, especially the peasants, were forced to compromise and cooperate with the Arabs in order to improve their livelihoods or maintain their privileges.

KEY WORDS

Sasanids, Āsōristān, Political- economic situation, Arabs.

© 2023, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://localhistories.journals.pnu.ac.ir/>

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

وضعیت سیاسی اقتصادی ایالت آسورستان شاهنشاهی ساسانی با مرکزیت مدائن و ارتباط آن با فتح اعراب (۶۵۱-۵۹۰ م)

کیخسرو خسروی نژاد^۱، سهیلا ترابی فارسانی^{۲*}، اسماعیل سنگاری^۳

چکیده

انتخاب همیشگی تیسفون در ایالت آسورستان به عنوان پایتخت توسط شاهنشاهان ساسانی، نشان از اهمیت این منطقه در نظام کشورداری آنها داشت. ساخت شهرهای جدید و توسعه زیرساخت‌های شهری، مانند سازه‌های آبی و گسترش کشاورزی توسط ساسانیان در این ایالت، گویای توجه ویژه به نقش سیاسی اقتصادی شهرهای آسورستان است. بدین ترتیب بررسی وضعیت سیاسی اقتصادی این منطقه بویژه در نیم قرن پایانی سلطنت ساسانیان، که سرانجام به سقوط این سلسله انجامید، حایز اهمیت است. این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی تحلیلی، به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که وضعیت سیاسی اقتصادی ایالت آسورستان با مرکزیت مدائن بر سقوط و فتح آنجا بدست اعراب مسلمان چه تأثیری داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که در اثر جنگ‌های مختلف، بیماری‌هایی مثل طاعون و سیل، قسمت‌های حیاتی سیستم آبیاری ساسانیان ویران شد و در نتیجه کاهش درآمدهای دولت و همزمان با زوال اقتصادی، نیروی نظامی شاهنشاهی نیز رو به انحطاط گذاشت. از سوی دیگر، تغییر ترکیب جمعیتی ایالت با کوچاندن اقوام یا در اثر تغییر دین مردم، تأثیرات منفی در مقاومت ایرانیان داشت و بسیاری از اهالی شهرها و در رأس آنها دهقانان، برای بهبود وضع معیشت یا حفظ امتیازات خود، ناچار به مصالحه و همکاری با اعراب شدند.

واژه‌های کلیدی

ساسانیان، آسورستان، وضعیت سیاسی اقتصادی، اعراب.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
^۲ دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
^۳ دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول:

سهیلا ترابی فارسانی

رایانامه: Tfarsani@yahoo.com

استناد به این مقاله:

خسروی نژاد، کیخسرو، ترابی فارسانی، سهیلا و سنگاری، اسماعیل (۱۴۰۲). وضعیت سیاسی اقتصادی ایالت آسورستان شاهنشاهی ساسانی با مرکزیت مدائن و ارتباط آن با فتح اعراب (۵۹۰-۶۵۱ م). فصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۱(۲)، ۶۸-۵۳.

۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسأله

در نگاه نخست، شهر را می‌توان مجموعه‌ای از بناهای مسکونی اداری دانست که در آن تعداد زیادی از مردم با حرفه‌های مختلف زندگی می‌کنند، اما در واقع شهر یکی از پیچیده‌ترین محصولات بشری است و بنابراین نمی‌توان تنها از دیدگاهی خاص به مطالعه و بررسی آن پرداخت. درک پیچیدگی شهر مستلزم بهره‌گیری از علوم مختلف است که از این جهت جامعه‌شناسی شهری به عنوان زیرمجموعه‌ای از علم جامعه‌شناسی، به مطالعه جامعه شهری می‌پردازد. وظیفه اصلی جامعه‌شناسی شهری این است که به شهرها برای کاربردها و تغییرات اجتماعی اهمیت می‌دهد و به شرح تفاوت‌ها و شباهت‌های بین شهرها و گروه‌های شهری می‌پردازد که چگونه بر زندگی اجتماعی و اجتماعات اثر می‌گذاردند (Wu, 2015:103-104). از میان اندیشمندان و متفکران جامعه‌شناسی، این ماکس وبر^۱ بود که برای شهرهای سده‌های میانه اهمیت ویژه‌ای قائل بود و «شهر آرمانی او، شهر سده‌های میانه است که برآمد کنش‌های اقتصادی، فردی و زندگی همگانی مردمان است» و شهر را از سه دیدگاه موردنظر قرار می‌دهد: دیدگاه اجتماعی، دیدگاه اقتصادی و دیدگاه سیاسی اداری (وبر، ۱۳۹۳: ۱۳-۱۲). البته وبر در تعریف شهر عناصر اقتصادی و سازمان‌های سیاسی را مهم‌تر از اندازه جمعیت می‌دانست (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۱۱۷). با در نظر گرفتن دیدگاه سیاسی اقتصادی وبر، دشت سیلابی میان‌رودان با شهرهای تیسفون و سلوکیه، سال‌ها مرکز شاهنشاهی ایران محسوب می‌شدند و اردشیر بابکان نیز با تدبیر سیاسی خویش، همچنان تیسفون را به عنوان پایتخت خویش برگزید.

رویدادهای سیاسی در آستانه ظهور ساسانیان نقش کلیدی در منطقه آسورستان و به‌ویژه تیسفون داشت و این شهر هدف یک برنامه شهرنشینی جامع قرار گرفت (Christensen, 2016:47). اردشیر بابکان پس از تثبیت و گسترش قدرت خویش بر کرانه غربی دجله شهر وه اردشیر را بنا کرد (شهرستان‌های ایران‌شهر، ۱۳۸۸: ۸۷) و این سنت همچنان تا زمان خسرو انوشیروان مرسوم بود و او پس از ساختن وه اندیو خسرو (بهتر از انطاکیه خسرو بنا کرد)، اسیران رومی را پس از فتح انطاکیه در سال ۵۴۲م. در آنجا اسکان داد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ج ۱: ۲۰۳). ظاهراً پایتخت ساسانیان در نهایت از هفت شهر تشکیل می‌شود که اعراب به آنجا مدائن یا شهرها می‌گفتند (Frye, 1977:8). بنابراین چندان اشتباه نخواهد بود که

تیسفون و مدائن را یکسان در نظر گرفت. اما پس از پادشاهی خسرو دوم که در نهایت به سقوط ساسانیان انجامید، منطقه آسورستان توسط زنجیره‌ای از جنگ‌ها و بلایا رو به افول نهاد (Donner, 1981:172). در واقع شهرسازی ساسانیان در مقیاس بزرگ یک نظام زیست‌محیطی بسیار حساس را در این منطقه به‌وجود آورد که در اثر مشکلات سیاسی و بی‌کفایتی اداری راه انحطاط پیمود (Christensen, 2016:104). بر این اساس و با توجه به تقارن زمانی افول ساسانیان و ایالت آسورستان، هدف ما در این پژوهش این خواهد بود که وضعیت سیاسی اقتصادی ایالت آسورستان شاهنشاهی ساسانی با مرکزیت مدائن را از پادشاهی خسرو دوم به بعد و ارتباط آن با فتح اعراب، با توجه به دیدگاه وبر و در نظر گرفتن عناصر سیاسی، اقتصادی بررسی نماییم. پرسشی که در این پژوهش عنوان می‌شود این است که وضعیت سیاسی اقتصادی ایالت آسورستان با مرکزیت مدائن، چه تأثیری بر فتح آنجا توسط اعراب داشته است؟ گردآوری داده‌ها در این تحقیق با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش آن توصیفی تحلیلی بوده است.

۱-۲- پیشینه پژوهش

آدامز (۱۹۸۱ م.) در کتاب خود با عنوان سرزمین اصلی شهرها، به بررسی سکونتگاه‌ها و شهرهای دشت سیلابی مرکزی فرات می‌پردازد و پس از بررسی منابع آبی، سبک زندگی، الگوهای آبیاری و سازه‌های شهری، اطلاعات مفیدی درباره ارقام مالیاتی و جمعیتی شهرهای منطقه بیان می‌کند. مورونی (۱۹۸۴ م.) در کتاب ارزنده خود به نام عراق پس از فتح مسلمانان، به بررسی منطقه آسورستان پرداخته و مطالب را در سه بخش اداری، مردمان یا ترکیب جمعیتی و جوامع مذهبی ارائه نموده است که حاوی نکات بسیاری در مورد شهرهای آسورستان در زمان ساسانیان می‌باشد ولی در پژوهش حاضر مطالبی که در این کتاب عنوان شده در آستانه هجوم اعراب و در ارتباط با فتوحات ایشان در ایالت آسورستان ساسانی تبیین شده است که از لحاظ بازه زمانی متفاوت است. کتاب افول ایران‌شهر نوشته کریستن سن (۲۰۱۶ م.) به بررسی شهرهای ایران‌شهر از منظر شبکه‌های آبیاری و محیط زیست از ۵۰۰ پ.م تا ۱۵۰۰ م. می‌پردازد. بخش دوم کتاب به میان‌رودان و خوزستان اختصاص دارد و مطالبی پیرامون سیستم‌های آبیاری و منابع آبی، ارقام مالیاتی و همه‌گیری بیماری‌های مختلفی به‌ویژه طاعون، به‌وسیله تحلیل‌های ماهرانه مؤلف ارائه شده است.

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالعه شهرهای ساسانی از آنجایی اهمیت دارد که شاهان ساسانی در بنا یا بازسازی شهرها تلاش فراوان کرده‌اند، به‌ویژه منطقه آسورستان که پایتخت ساسانیان در آنجا قرار داشت و اطلاعات و موضوعات مربوط به شهرهای آسورستان تاکنون از منظر جامعه‌شناسی و بر به نگرش درنیامده و در این پژوهش کوشیده می‌شود، تأثیر اوضاع سیاسی اقتصادی ایالت آسورستان و مرکز آن مدائن بر فتح آنها توسط اعراب مقایسه و تحلیل شود.

۲- جغرافیای سیاسی آسورستان

ساسانیان سرزمین بابل را با نام آسورستان (نقشه ۱) می‌خواندند که این نام در کتیبه کعبه زردشت شاپور اول و همچنین به عنوان صفت در نام کتاب درخت آسوریگ^۱ ضبط شده و آسوریگ در زبان پهلوی به معنای بابلی و در زبان سریانی به معنای آشور است (Widengren, 1987:785). این ایالت از سمت شرق به ایالت جبال و شهر حلوان، از جنوب به خلیج فارس و خوزستان و از سمت شمال تا مرزهای غربی آن به جزیره و رود فرات ختم می‌شد (ابوالفداء، ۱۳۴۹:۳۲۸). به احتمال زیاد مرزهای شهرها و مناطق ساسانی تا دوره اسلامی تداوم داشته است و این موضوع به ما این امکان را می‌دهد تا از مطالب آنها درباره دوره ساسانی نیز استفاده نماییم (Miri, 2012:101). مدائن در قسمت جنوبی آسورستان، به نام سواد قرار داشت و این ناحیه به دلیل اهمیت فرهنگی و سیاسی آن "دل ایرانشهر" نامیده می‌شد (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۵۱-۵۰). این عنوان حاصل کار پرزحمت ساخت و نگهداری سازه‌های آبی در مقیاس بزرگ بود (Christensen, 2016:47). شهرهای تیسفون، رومیه و اسبانبر در طرف شرقی دجله و شهرهای وه اردشیر، درزندان، بلاش آباد و ماحوزا در طرف غربی، مجموعه هفت شهر مدائن را تشکیل می‌دادند (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۵۱۳).

شهرهای هفت‌گانه در دو طرف دجله گسترش یافته بودند (نقشه ۲) که طرف شرقی به‌وسیله دجله و طرف غربی آن به‌وسیله نهرالملک که از فرات جدا می‌شد، مشروب می‌گردید و آثار شگفت‌انگیز این شهر مانند کاخ سفید و ایوان عظیم کسری در طرف شرقی به نام عتیقه واقع بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۹۹-۱۰۰).

آسورستان شامل دوازده استان می‌شد که توسط فرات، دجله و تامرا یا همان دیاله و نهرهای آنها مشروب می‌گردیدند؛ شامل چهار استان در سمت شرق دجله با نام‌های شاد فیروز^۲، شاد هرمز^۳، شاد قباد^۴ و بازیگان خسرو^۵ (محمدی ملایری، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۴۰-۲۳۹). هشت استان دیگر شامل: استان شاد شاپور^۶ یا همان کسکر^۷، استان پاد بهمن^۸ (دشت مشیان^۹ و اطراف ابله^{۱۰}) و شش استان دیگر با نام‌های: استان اردشیر بابکان^{۱۱}، استان اعلی یا بالا، استان زاب^{۱۲} یا دیو ماسفان^{۱۳}، استان بهقباد^{۱۴} بالا، بهقباد میانه و بهقباد پائین (لسترنج، ۱۳۷۷: ۸۸-۸۷). این مناطق به همراه جاده‌های استراتژیکی که آسورستان را به فلات مرکزی ایران متصل می‌کرد، در قلمرو سپاهید غرب دولت ساسانی قرار داشت (Howard-Johnston, 2012:117). وظیفه اصلی فرماندهان غربی، حفاظت از ثروتمندترین بخش‌های شاهنشاهی و تضمین تدارکات سپاهیان در مقابل پیشروی رومیان و همچنین نظارت و ایمن نگه داشتن جاده‌های استراتژیک کوهستان زاگرس، منتهی به آسورستان بود (Howard-Johnston, 2012:124).

۳- ترکیب جمعیتی آسورستان

مهاجرت ایرانیان به این منطقه به دلیل نیازهای نظامی، اداری و اقتصادی، از جمله: خدمت در دربار و گمارده شدن در پست‌های نظامی بوده است و می‌توان گفت که ایرانیان در اواخر دوره باستان جزء اقلیت حاکم آنجا بودند (Morony, 1984:181). آیین زردشت محدود به شهرهای بزرگ ایالت بوده و بزرگترین جامعه مذهبی در آستانه فتح اسلامی، به ترتیب به مسیحیان نستوری و جامعه یهودی تعلق داشت (Donner, 1981:168). بیشتر مسیحیان، پیشه‌ور و بازرگان و از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت بوده‌اند (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷:۳۷۳). علاوه بر آن، یک جزء بسیار مهم دیگر از جمعیت آسورستان، قبایل عربی بودند که در حاشیه‌های بیابان تا فرات ساکن و به احتمال خیلی زیاد، در مناطق شمالی آسورستان حضوری قوی داشته‌اند (Donner, 1981:170-171). برخی از پژوهشگران از جمله آدامز جمعیت این منطقه را در اوج قدرت و شکوفایی سلسله ساسانی نزدیک به دو میلیون نفر محتمل می‌دانند (Adams, 1981:252) ولی به دلیل نیروی کار مورد نیاز سیستم‌های

8. Pād Bahman
9. Mēšān
10. Ubulla
11. Ardašīr Bābakān
12. Zawāb/ Zāb
13. Dhivmāsufān
14. Weh Kawād

1. Āsōrīg
2. Šād Firuz
3. Šād Hōrmōz
4. Šād Qōbād
5. Bāzigān Khosrow
6. Šād Šāpur
7. Kaskar

ناشی می‌شد که گسترش کشاورزی و رشد سرمایه‌های محلی در آسورستان لزوم ارتباط با منطقه شام یا همان سوریه را به‌وجود آورد و علاوه بر یک زبان مشترک (آرامی و صورت سریانی آن) اعتقاد به مسیحیت نیز وجه اشتراک آنها بود (رویدادنامه خوزستان، ۱۳۹۵: ۳۰-۲۵). جمعیت کثیری از سوری‌ها در شهرهایی نظیر ادسا، آمد و نصیبین و همچنین سلوکیه و تیسفون زندگی می‌کردند (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۷۲). مسیحیان نیز در شهرها و استان‌های این ایالت پراکنده بودند، به‌ویژه در استان شاد شاپور یا همان کسکر که از آغاز سده پنجم میلادی، اسقف نستوریان در آنجا مستقر بوده است و یا در شهرستان بت گرمای یا گرمکان که در مرکز آن کرکوک، اسقفی وجود داشت که چند کشیش تابع او بودند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۹۸). حمایت خسرو پرویز از مسیحیان به‌منظور تثبیت و تقویت پایه‌های حکومت خویش، در گسترش مسیحیت بی‌تأثیر نبود تا جایی که او با دختری از میان مسیحیان به نام شیرین ازدواج کرد (دریایی و رضاخانی، ۱۳۹۷: ۶۶).

پدیده دیگری که در ایام سلطنت خسرو پرویز شهرهای آسورستان را دستخوش تغییر و دگرگونی ساخت، طغیان و شکاف در سدهای دجله و فرات بود. عظمت آن به حدی بود که بسیاری از نواحی و کشتزارها به زیر آب رفت و خسرو پرویز برای کنترل اوضاع، علاوه بر هزینه فراوان، شدت عمل بسیار نشان داد به‌گونه‌ای که در کنار یکی از شکاف‌ها در یک روز چهل تن از سدسازان را به دار آویخت ولیکن اثری نداشت (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۱۵-۴۱۴). خسرو با وجود صرف مال فراوان، موفق به بستن شکافی در سد بزرگ دجله العوراء یکی از شعبات رود دجله نشد و تهاجمات بعدی اعراب نیز ایرانیان را از بازسازی آن بازداشت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ج ۲، ۵۵۷-۵۵۶). علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های فراوان دولت در طرح‌های آبرسانی، این سازه‌ها در صورت عدم نگهداری مستعد خراب‌شدن بودند و مشغول‌شدن ایرانیان در جنگ‌ها و عدم بازسازی آنها موجب گسترش تالاب‌ها شد (Simpson, 2016:43). همزمان با این حوادث حتی قسمتی از ایوان کسری نیز در اثر طغیان دجله تخریب شد (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۶۴۰). بیشتر قسمت‌های ایالت، به‌ویژه منطقه دیاله، شمال و شرق دجله میانی، متروکه شد و جمعیت منطقه ریزش قابل توجهی داشت (Adams, 1981:252). استان کسکر یا شاد شاپور متحمل بیشترین خسارات شد، به‌گونه‌ای که بیشتر زمین‌های آنجا به مرداب تبدیل شد و این مرداب‌ها چنان گسترش یافت که بنابر گفته مسعودی شمار استان‌های این ایالت از دوازده به ده کاهش یافت (مسعودی، ۱۳۹۰: ۶۴-۶۳). احتمالاً این کاهش مربوط به سازماندهی مجدد واحدهای اداری پس از طغیان

آبراری این منطقه، داشتن جمعیتی در حدود پنج میلیون نفر قبل از شروع طاعون چندان غیرمنطقی نیست (Christensen, 2016:99). اگرچه این ارقام جمعیتی مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسند ولی به عقیده آدامز بدون تردید جمعیت آسورستان در آن زمان در بالاترین حد خود قرار داشت (Adams, 1981:209). تأمین معیشت چنین جمعیتی بی‌گمان به‌وسیله کشتزارهای وسیع صورت می‌گرفت. زمین‌های حاصلخیز این ایالت با برخورداری از منابع آبی کافی و به‌وسیله سیاست‌های آبرسانی ساسانیان، کشاورزی این منطقه را رونق بخشیده بود (دریایی و رضاخانی، ۱۳۹۷: ۷۹). به نظر می‌رسد محصولات سایر استان‌ها نیز در پایتخت و شهرهای اطراف به مصرف می‌رسید و بدین ترتیب نیازهای جمعیت منطقه تأمین می‌شد (لسترنج، ۱۳۷۷: ۸۸).

۴- وضعیت سیاسی اقتصادی آسورستان

ایالت آسورستان به دلیل کاشت محصولات کشاورزی فراوان و جمعیت زیاد از لحاظ اقتصادی و کسب مالیات برای ساسانیان حائز اهمیت بوده است. درآمدهای دولت ساسانی از ناحیه سواد آسورستان در زمان قباد صد و پنجاه میلیون مثقال درهم و در زمان خسرو پرویز به حدود چهارصد و بیست میلیون مثقال رسید، در صورتی که مالیات کل کشور در زمان او ششصد میلیون مثقال بود (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۹-۲۰). بنابراین پس از اصلاحات خسرو انوشیروان تمرکز دولت بر درآمدهای مالیاتی آسورستان افزایش یافته بود. با مقایسه این ارقام با دوران عباسی می‌توان دریافت که ناحیه سواد یعنی جنوب آسورستان، به تنهایی $\frac{2}{5}$ کل مالیات را به دولت ساسانی می‌پرداخت (آلتهایم و اشتیل، ۱۳۹۱: ۴۵). احتمالاً انتصابات خسرو پرویز پس از شکست بهرام چوبین و گماشتن بزرگان وفادار به خود در دیوان‌های نقاط مختلف، در گردآوری چنین درآمد مالیاتی بی‌تأثیر نبوده است، برای مثال وی همه دیوان‌ها و خزانه‌ها را به دست بندوی، دای خود سپرد (دینوری، ۱۳۹۵: ۱۲۷). به نظر می‌رسد که این افزایش مالیات برای تأمین مخارج لشکرکشی‌ها و جنگ‌های مداوم با بیزانس بوده است.

خسرو پرویز برای جلب نظر بیزانسی‌ها برای کمک به او، در ابتدا به آنها وعده داده بود تا علاوه بر ارمنستان برخی از شهرستان‌های آسورستان را که به زبان سریانی تکلم می‌کردند، به رومیان واگذار کند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۱۳) ولی پس از تثبیت قدرت، نه تنها شهرهایی را واگذار نکرد، بلکه به فکر ضمیمه کردن سوریه به استان‌های غربی کشور افتاد و این سیاست از آنجایی

جناحی در خاندان سلطنتی ظاهر شده بود؛ شاهد آن بود که نواحی مهم کشاورزی توسط ارتش بیزانسی و سیلاب‌های عظیم ویران شده‌اند؛ و سرانجام اینکه اتحاد خود را با عوامل اصلی ثباتش در مرزهای بیابانی قطع کرده بود» (Donner, 1981:172). با وجود این، چنانکه از منابع برمی‌آید پس از برتخت نشستن یزدگرد سوم با اینکه ایران به فروپاشی داخلی نزدیک شده بود ولی هنوز هم هیبت و شکوه آن موجب ترس اعراب بود و چندان داوطلب جنگیدن در برابر ایرانیان نبودند ولی با پیشرفت تدریجی آنها در خاک ایران و تصرف شهرهای جنوبی آسورستان انگیزه‌های آنان نیز برای تصرف مناطق بیشتر افزایش یافت (طبری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۵۸۸-۱۵۸۷).

یزدگرد سوم به کمک رستم فرخزاد به سر و سامان دادن اوضاع پرداخت و سپاهیان در پادگان‌ها و شهرهای مرزی مستقر کرد، به‌ویژه سپاهیان شهرهای حیره، انبار و ابله را سازماندهی و از آنها برای مقابله با اعراب بهره گرفت (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳، ج ۳: ۱۳۴۷). نیروهای مستقر در انبار، وظیفه محافظت از نهرالملک را برعهده داشتند که در بالای پایتخت به دجله متصل می‌شد (Howard-Johnston, 2012:100). او با دقت نظر در مکان‌های سوق‌الجیشی، برای تقویت توان دفاعی پایتخت، جابان را به سوی بهقباد پایین و نرسی را سوی کسکر فرستاد (طبری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۵۹۳). زیرا پس از فتح ابله، قایق‌ها می‌توانستند از طریق کانال مذار و پس از طی مسیر شرقی دجله از سمت کسکر راهی تیسفون شوند (Simpson, 2016:42). بدین ترتیب با فتح شهرهای مهم نظامی مانند ابله و حیره، عملاً راه فتح تیسفون بر روی اعراب گشوده می‌شد.

در این هنگام میان بزرگان رقابتی برای یاری کردن یزدگرد به وجود آمد (مسکویه، ۱۳۸۹: ۳۰۲). نمایندگان از خاندان‌های کارن، سورن، مهران و هرمزان و افراد دیگری از فرماندهان ساسانی در همان سطح، مانند جالینوس و جابان در دفاع از آسورستان مشارکت کردند که حداقل می‌توان انگیزه آنها را به این سبب دانست که دارای املاکی در این ناحیه بوده‌اند (Morony, 1984:186-187). رستم فرخزاد نیز با ارسال نامه‌هایی بزرگان سواد را بر علیه اعراب برانگیخت و مردم این نواحی که همچنان به ساسانیان وفادار بوده‌اند، در برابر اعراب به مقاومت‌هایی دست زدند (بلعمی، ۱۳۶۶: ۴۴۳). البته ضعف حکومت و در کنار آن تضعیف دستگاه دینی زردشتی، موجب ناتوانی دولت در حفظ این انسجام و همدلی شد و در سال‌های آتی جمع بیشتری از زردشتیان به نسبت مسیحیان و یهودیان ناحیه سواد به دین اسلام گرویدند (کاهن، ۱۳۹۴: ۲۶۶). عامل دیگری که

بوده است. بدون شک حوادث اخیر بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی ایالت را تباه ساخت و مردم را بیشتر گرفتار مشکلات اقتصادی نمود. روایت است که فقر چنان در بین مردم گسترش یافته بود که یک کنیز را به قیمت یک درهم می‌فروختند و از گرسنگی مردم هلاک می‌شدند (قمی، ۱۳۶۱: ۱۸۰). مسائل پیش‌آمده سرانجام باعث شد که بزرگان و افراد با نفوذ خاندان سلطنتی، خسرو پرویز را از سلطنت برکنار نموده و پسرش شیرویه را به پادشاهی برگزیدند.

۴-۱- افول سیاسی اقتصادی آسورستان

در دوران شیرویه یا قباد دوم اوضاع شهرها و مردم آسورستان چندان خوشایند نبود. علاوه بر هرج و مرج سیاسی و اقتصادی در مدت کوتاه پادشاهی شیرویه بلای دیگری به نام طاعون شهرهای این ایالت را درنوردید و بیش از نیم یا به روایت دیگر یک‌سوم جمعیت شهرها را از بین برد (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۷۴). طبقات مختلف جامعه ساسانی از این پدیده ناگوار تأثیر پذیرفته و حتی خود شاهنشاه و بسیاری از بزرگان، قربانی این بیماری همه‌گیر شدند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۶۲). تلف شدن حدود سی درصد جمعیت، اقدامات ترکیبی محیطی و انسانی را برای ساخت و نگهداری سازه‌های آبی و گسترش کشاورزی مختل کرد (Christensen, 2016:81-83). اقتصاد منطقه که بر پایه کشاورزی بود و قبل از شروع حملات اعراب به اوج خود رسیده بود، به‌طور جدی رو به زوال گذاشت (Adams, 1981:252). قسمت‌های حیاتی سیستم آبیاری ساسانیان در نتیجه جنگ‌های داخلی، طاعون و سیل در آستانه فروپاشی قرار داشت (Christensen, 2016:85). در واقع رونق اقتصادی، نیروی نظامی و دادگستری ساسانیان در حلقه‌ای بهم پیوسته با یکدیگر قرار داشت که زوال یکی از این سه مؤلفه می‌توانست نظام شاهنشاهی را سرنگون سازد (Morony, 1984:28). در این زمان تجزیه سازمان اداری ساسانیان در نتیجه اخلاص‌های اجتماعی تسریع شد (Adams, 1981:214).

پس از شیرویه اوضاع آسورستان از این هم آشفته‌تر شد و هرچند ملکه بوران کوشش فراوان نمود تا اوضاع را تحت کنترل خود بگیرد ولی شواهد سکه‌شناسی تنها ضعف دولت مرکزی را اثبات می‌کند که حتی قادر نشد این ایالت و منطقه مجاور آن را به‌طور کامل تحت کنترل خویش درآورد (دریایی، ۱۳۹۷: ۷۸-۸۱). «وقتی در سال ۱۲ هج/ ۶۳۳ م. اولین ارتش‌های اسلامی در حاشیه آسورستان ظاهر شدند، شاهنشاهی ایران به دلیل سال‌ها جنگ متمادی از نظر مالی و تجهیزات فرسوده شده بود؛ میان‌رودان شمالی و درآمدهای مالیاتی آن را به بیزانسی‌ها واگذار کرده بود؛ به تازگی یک دوره اختلافات

اعراب نیز از ظرفیت و توانایی درآمدزایی آسورستان غفلت نکرده و پس از تصرف منطقه با پیروی از سیاست‌های قبلی ساسانیان خزانه حکومت اسلامی را با این منابع مالی لبریز ساختند. البته مسلماً درآمدهای مالیاتی این منطقه به نسبت دوره ساسانی به دلایلی نظیر طغیان دجله و زیر آب رفتن کشتزارها و گسترش فقر و فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ‌های بلندمدت کاهش داشته است. شهرهایی که تسلیم اعراب می شدند، مالیات را به دهقانان و مأموران محلی می‌پرداختند که در قراردادهای بین شهرها و سپاهیان مسلمان مورد توافق واقع شده بود (Frye, 1977:63-64). در آسورستان بستن پیمان‌های صلح با اعراب بیشتر از جنگ معمول بوده و در نهایت این قراردادها ارتباطات صلح‌آمیز مردم محلی با اعراب و روند سازش را تسهیل نمود (چوکسی، ۱۳۹۳: ۲۸). فتوحات مسلمانان در آسورستان به دو حوزه فعالیت جداگانه تقسیم‌بندی می‌شود. یکی در مرکز و حوالی شهر حیره و به سمت داخل جلگه آبرفتی که در منطقه‌ای دورتر، به نزدیکی مدائن می‌رسید و دیگری در اطراف شهر ابله (Donner, 1981:173). تهاجم اعراب سرنوشت برخی از شهرها را به طور کلی تغییر داد و آسورستان تحولات بزرگی را به خود دید. شهرهای بزرگی همچون تیسفون، سلوکیه، حیره و کوچتر مانند نهروان، به کلی تخریب شدند و به جا یا درجوار آنها، شهرهای تازه‌ای پدید آمد (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

۴-۲- وضعیت مدائن مرکز آسورستان در آستانه فتح اعراب

بر طبق گفته طبری، هنگام فتح مسلمانان حدود ۱۳۰ هزار نفر یا بالغ بر سی هزار نفر خانوار در پیرامون مدائن زندگی می‌کردند (Morony, 2009). شهرهای مدائن، غالباً به وسیله باغ‌ها و کشتزارها از همدیگر جدا شده بودند و قسمت شرقی که شهرهای کهن و خزائن کسری را در خود جای داده بود، از ثروت بیشتری برخوردار بود و عملیات جنگی گسترده‌ای برای فتح آنجا صورت گرفت (محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ۲). علاوه بر دجله به عنوان یک مانع طبیعی بزرگ، دیوارهای بلند و مستحکم، غلبه بر مدائن را دشوار می‌ساخت (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۵۰۸). همچنین در دوره ساسانی استفاده از سازه‌های آبی علاوه بر کاربرد آبرسانی، در امور دفاعی و نظامی مرسوم شد و طرح بزرگ نهروان در شرق پایتخت و سازه خندق شاپور در غرب آن توان دفاعی شهر را افزایش داده بود (محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ۲). عنوان نظامی ویسپوهرگان - فرمادار که به طور استراتژیک در شهرهای کلان

موجب شد یزدگرد سوم نتواند در این ایالت به اقدام قابل توجهی بر علیه اعراب دست یازد، نقش و سیاست دهقانان این مناطق بود. از نخستین اقدامات سعدبن ابی وقاص فاتح نبرد قادسیه (۶۳۷م.) این بود که دهقانان را با متعهد ساختن به نظام جدید همچنان بر کار خویش گماشت و آنها اگرچه جزو طبقات پایین اشراف محسوب می‌شدند، ولی از نظر نفوذ اجتماعی و پذیرش از سوی مردم از درجه بالای اهمیت برخوردار بودند و از سوی دیگر از ارکان نظام دیوانی ساسانیان بودند (محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ج ۱: ۸-۱۱). در منابع نام چند تن از دهقانان که با اعراب به توافق رسیدند، آمده است که حتی عمر برای آنها نیز مقرری در نظر گرفت، مانند دهقان نهرالملک و پسر نخیرجان، رفیل دهقان العال، بسطام پسر نرسی دهقان بابل (بالذری، ۱۳۶۷: ۶۳۹). این احتمال نیز وجود دارد که برخی از دهقان‌ها در زمان فتح، آرامی و عرب بوده‌اند ولی به نظر می‌رسد برخی از اعضای خاندان سلطنتی نیز توانسته‌اند برای مدتی منافع خود را حفظ نمایند که بهترین نمونه مورد اخیرالذکر، بسطام عضو خاندان سلطنتی نرسی بود که منطقه کسکر تیول آنها بود (Morony, 1984:186-189). احتمالاً بزرگترین دهقان منطقه آسورستان فردی بود که در منابع عربی با نام جمیل پسر بصیهری ذکر شده که ظاهراً نام پدر او، صورت عربی شده واسپوهر باشد که لقب افراد وابسته به خاندان‌های هفتگانه بود (محمدی ملایری، ۱۳۷۹: ج ۳: ۳۶۱-۳۶۰). در روایت طبری به برخی دیگر از دهقانان به نام‌های فروخ و فرونداد اشاره شده که از ترس کشته شدن با اعراب همکاری می‌کردند (طبری، ۱۳۸۳: ج ۴: ۱۵۹۸-۱۵۹۶).

از دیگر عوامل که شاید به دهقانان انگیزه لازم را برای گرویدن به اسلام داده باشد، مالیات زمین‌هایی بوده که پس از اسلام آوردن آنها، به عشر تبدیل می‌شد و بسیار کمتر از خراج بوده است (کاهن، ۱۳۹۴: ۲۷۰). این دسته از دهقان‌ها، به تدریج توسط طبقه جدید مالکان مسلمان از بین رفتند (Adams, 1981:204). از طرف دیگر، دهقانانی نیز بودند که یا می‌گریختند احتمالاً به طرف شهرهای مرکزی ایران، یا مقاومت کرده و در جنگ با اعراب کشته می‌شدند (تفضلی، ۱۳۸۷: ۵۳). همچنین نجیب‌زادگان ایرانی، حتی اعضای خاندان اشرافی عالی‌رتبه، توانستند با کسب منصب‌هایی در سازمان کلیسای نستوری و با واگذاری اراضی خود تحت مالکیت کلیسا، نفوذ و اقتدار محلی خود را حفظ کنند (Morony, 1984:186-189). بنا بر مطالب فوق، در آسورستان حفظ دارایی و مقام دلیل مهمی برای همکاری و گرویدن به اسلام در میان طبقات مختلف اجتماعی بود که نمونه‌های زیادی از آن در منابع مختلف ذکر شده، از جمله بانوی زمینداری در منطقه نهرالملک و دهقانی به نام زادان فرخ (چوکسی، ۱۳۹۳: ۹۸).

(سبئوس، ۱۳۹۶: ۱۰۴). عامل دیگر در توجه خسرو پرویز به مسیحیان، قراردادی بود که او با موریس پیش از رسیدن به قدرت برای تأمین آزادی مسیحیان بسته بود (زرین کوب، ۱۳۹۴ ب: ۲۴۶). خسرو دوم در سال‌های ۶۰۴ تا ۶۲۸ م. هرگز در تیسفون ساکن نبود و اقامت او برای مدت‌زمان طولانی در شهرهای دیگر نیز نامعلوم است (Kennedy, 2006:13). محل اقامت دیگر برای شاهنشاه در آسورستان، دستگرد یا دستکرة الملک و منطقه همجوار آن طرارستان، با ساختمان‌ها و کاخ‌های شگفت‌انگیز بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۴). پس از مرگ موریس و جنگ‌های طولانی مدت خسرو پرویز با بیزانس، اولین رخنه رومی‌ها به آسورستان در سال‌های ۶۲۷-۶۲۸ م. صورت گرفت که طی آن هراکلیوس دستگرد در ۱۰۷ کیلومتری پایتخت ساسانیان، که دژی استوار با دیوارهای محکم بود را ویران ساخت (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۲۸۸). یکی از فرماندهان به نام راهرز برای مقابله با هراکلیوس به منطقه اعزام شد ولی به همراه شش‌هزار نفر از سپاهیان ایران در نبرد با هراکلیوس کشته شد (طبری، ۱۳۸۳ ج ۲: ۷۳۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳ ج ۲: ۵۵۳). سیصد پرچم جنگی رومی به همراه خزائن و ثروت دستگرد به دست رومیان افتاد (جلیلیان، ۱۳۹۶: ۴۸۱).

شکست سپاه ایران در جبهه‌های جنگ با بیزانس، طغیان رودها و ناتوانی خسرو پرویز در بازسازی سدها و بیماری اسهال سخت و مزمن خسرو پرویز، خلق و خوی او را بیشتر به سوی خشم و سوءظن کشاند، موجب تضعیف وی و قدرت‌گیری مجدد اشراف گردید و مردم عامه آن را نشانه انحطاط خاندان ساسانی دانستند (زرین کوب، ۱۳۹۴ ب: ۵۲۰-۵۱۹). اثرات روانی این رویدادها بر خسرو آنقدر شدید بود که می‌توان آن را در انتقام‌گیری‌های سخت او از سردارانی مشاهده کرد که به عقیده او در جبهه‌های جنگ سستی کرده‌اند و بدین ترتیب جنگ‌های ایران و بیزانس به جنگ‌های داخلی در ایران و جدال خسرو پرویز با بزرگان نظامی بدل شد (محمدی ملایری، ۱۳۷۹ ج ۱: ۲۶۶). بزرگان و سران نظامی در اقدامی پیشگیرانه، توطئه‌ای را برای خلع او از سلطنت ترتیب دادند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۵۵). گروهی از بازرگانان نستوری نیز در این اقدام با آنها همدست شدند (پطروشفسکی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۷۳).

تعدادی از بزرگان به اکرای بابل رفتند و شیرویه را که در آنجا به همراه برادران خود زیر نظر سواران و آموزگاران بودند، با خود همراه کرده و برای نشان دادن بر تخت سلطنت، شبانه به وه اردشیر آوردند (مسکویه، ۱۳۸۹: ۲۳۱). از جمله این بزرگان شمطا پسر

استقرار داشت و در این منطقه، مقر وی احتمالاً در جوار نهروان قرار گرفته بود، مسئولیت دفاع از پایتخت را در امتداد این آبراهه برعهده داشت (Howard-Johnston, 2012:121). علاوه بر آن پل نهروان نقطه اتصال پایتخت به مسیرهای دسترسی به استان‌های همجوار کوهستان‌های زاگرس مانند حلوان، ماسبدان و مهرگان کدک بود (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۴۴-۴۳). به نظر می‌رسد این راه مورد استفاده کاروان‌هایی بوده است که از درون فلات ایران به سمت پایتخت حرکت می‌کردند.

مسیرهای زمینی و همچنین نهرها که دسترسی به پایتخت را آسان کرده بودند، در رونق اقتصادی آنجا نیز بی‌تأثیر نبودند و بازار بزرگ وه اردشیر که تجار یهودی در آنجا بسیار فعال بودند، از چنان رونق و ثروتی برخوردار شد که زنجیرها و بازوبندهای زرین در نظر مردم آن شهر ارزشی نداشت (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۵۱۲). همچنین قرار گرفتن شهر در چهارراه گذر از شرق به غرب جمعیت متنوعی را در آنجا گرد آورده بود (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۱۴۵). اکثریت جمعیت شهرنشین مدائن، مشتمل بر درباریان، ارتشیان و دبیران از ایرانیان تشکیل یافته بود و اعراب بیشتر در مجاورت بیابان‌ها و یهودیان که بیشتر آنها کشاورز بودند تا حدودی در شهرها زندگی می‌کردند (Widengren, 1987:785). یهودیان از قرن سوم میلادی در تیسفون صاحب یک مدرسه عالی بودند و رئیس جامعه یهودیان در شهر ماحوزا اقامت داشت (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۵۱۳). با اینکه اشاره‌ای به تعقیب و آزار یهودیان در زمان خسرو پرویز نمی‌شود، به دلیل همراهی تعدادی از آنها با شورش بهرام چوبین، به‌وسیله ماهبود یکی از فرماندهان خسرو پرویز به قتل برسند (جلیلیان، ۱۳۹۶: ۴۵۳-۴۵۲).

جمعیت مسیحیان شهر نیز زمانی افزایش یافت که خسرو انوشیروان اسرای بیزانسی را در شهر رومیه سکونت داد و نام آنجا را به ویه اندیو خسرو تغییر داد (برونر، ۱۳۹۳: ۱۶۳). گسترش مسیحیت در دوران خسرو پرویز نیز ادامه یافت. علاوه بر صومعه پیشون^۱ در تیسفون و کلیسای بزرگ شهر وه اردشیر که به دلیل استقرار جاثلیق در آنجا به عنوان مرکز مسیحیان ایران به شمار می‌رفت، به فرمان وی دو کلیسا به نام‌های مریم مقدس و سن سرژ^۲ بنا شد (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۵۱۲). به نظر می‌رسد عامل توجه خسرو پرویز به مسیحیان، شیرین همسر مسیحی او و دختر موریس امپراتور بیزانس بود و شیرین کلیسایی در تیسفون بنا کرد که هزینه ساخت و مواجب کشیشان آنجا از خزانه پادشاهی پرداخت می‌شد

۱۳۸۳، ج ۲: ۷۸۰). در این زمان گستره قدرت حکومت مرکزی محدود به پایتخت شده بود (زرین کوب، ۱۳۹۴ الف: ۲۵۲). شهروراز که با سپاه شش هزار نفری خود در مرز روم بود، به بهانه اینکه بزرگان در انتخاب اردشیر با او مشورت نکرده‌اند، برای به دست آوردن تاج و تخت به سمت تیسفون لشکرکشی می‌کند (مسکویه، ۱۳۸۹: ۲۳۳؛ طبری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۸۱). برخی منابع این اقدام شهروراز را انتقام جویی از عاملان قتل خسرو پرویز دانسته‌اند و اینکه وی از مه آذر گشنسب می‌خواهد تا یاوران شیرویه را به او تسلیم کند ولی او از انجام آن سرباز می‌زند (تعالبی، ۱۳۶۸: ۴۶۵؛ یعقوبی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۱۴). شهروراز حتی با به کار بستن منجیق‌ها موفق به گشودن شهر نمی‌شود (طبری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۸۱؛ تعالی، ۱۳۸۳: ۵۷۷). احتمالاً در این واقعه نیز بخشی از تأسیسات دفاعی شهر تضعیف و یا حتی از بین رفته است و این رویداد فتح شهر را برای مهاجمان بعدی تسهیل کرد.

در تیسفون نیو خسرو، رئیس نگهبانان سلطنتی و نامدار گشنسب سپاهبد نيمروز با شهروراز همدست شده و دروازه‌های شهر را به روی او می‌گشایند و اردشیر سوم به همراه جمعی از بزرگان به دستور شهروراز کشته می‌شوند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۸۱). ظاهراً شهروراز قبل از هرگونه اقدامی، با هراکلیوس در ازای بخشیدن اراضی اشغالی و صلیب راستین مسیح به توافق رسیده بود (رویدادنامه خوزستان، ۱۳۹۵: ۸۸-۸۷). شهروراز نیز به دلیل اینکه به خاندان ساسانی تعلق نداشت، توسط جمعی از بزرگان استخر و مقیم تیسفون با نام زادان فرخ پسر شهرداران و ماهیای / مهیار که آموزگار اسوران بود، به قتل رسید (طبری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۸۲). جمعی دیگر از بزرگان این بار برای انتقام خون اردشیر سوم و به دلیل همراهی با شهروراز کشته می‌شوند (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۶۴). از بین رفتن بزرگان کشور در حوادث اخیر که احتمالاً در بین آنها افراد شایسته و توانمندی نیز بوده‌اند، تضعیف نهادهای سیاسی پایتخت و به دنبال آن آشفتگی کشورداری را موجب می‌شود و بزرگان ایران و خاندان ساسانی را تا آستانه نابودی پیش می‌برد (مسکویه، ۱۳۸۹: ۲۶۹).

پس از شهروراز، رقابت بوران با خواهرش آزرمی دخت، نشان از دودستگی سیاسی در میان بزرگان پایتخت دارد که در این هنگام فرخ هرمزد اسپهبد خراسان و پسرش رستم، هوادار بوران (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۷۹) و سیاوش رازی نوه بهرام چوبین به حمایت از آزرمی دخت برخاسته بود (Pourshariati, 2008: 206). فرخ هرمزد به دستور آزرمی دخت به قتل می‌رسد و رستم برای انتقام جویی پایتخت را محاصره و فتح می‌کند و بوران را به تخت می‌نشانند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۵۹۰). پایتخت در کمتر از دو سال، دوبار آماج

یزدین، خزانه‌دار نستوری خسرو پرویز و همچنین مهر هرمزد پسر مردانشاه مرزبان نيمروز بود که انگیزه لازم برای انتقام گیری از قتل پدرش توسط خسرو پرویز را داشت (رویدادنامه خوزستان، ۱۳۹۵: ۳۴). یکی دیگر از آنها گشنسب اسپاد برادر رضاعی شیرویه و فرمانده کل نیروهای کشور بود (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۶۴۱). همچنین زادان فرخ رئیس نگهبانان دربار و سپهسالار دیگری با نام تخار نقش بزرگی در سازماندهی این توطئه داشتند و باید به آنها جمعی از مسیحیان نستوری پایتخت را نیز افزود (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۵۳). خسرو پرویز در دادگاهی در پایتخت محاکمه و سپس توسط مهر هرمزد به قتل می‌رسد (طبری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۷۹). پس از این کودتا اشیاء گرانبها و منابع مالی دولت که می‌توانست پشتوانه‌ای مناسب برای سامان دادن به اوضاع کشور باشد، توسط شورشیان تاراج می‌شود (کولسنیکف، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

پس از بر تخت نشستن شیرویه با نام قباد دوم، او هدفه تن از برادران خود را که بنا بر روایت منابع از او شایسته‌تر بودند، به قتل رساند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۶۰؛ طبری، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۵۰۸). عامل اصلی در ترغیب شیرویه در این کشتار شمطا پسر یزدین و فیروز وزیر شیرویه بود (طبری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۷۷۹). در کنار این وقایع شیوع طاعون در مدائن نیز بر وخامت اوضاع افزود و جمعیت زیادی از مردم را هلاک کرد (مسکویه، ۱۳۸۹: ۲۳۲). ظاهراً این بیماری به وسیله جابجایی سپاهیان ایران که در خارج از مرزها می‌جنگیدند، گسترش یافت (زرین کوب، ۱۳۹۴ الف: ۲۵۱). بسیاری از بزرگان برای اینکه از این بیماری در امان بمانند تیسفون را ترک کرده و در دستگردهای خود پناه گرفتند (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۲۸۷). بر طبق گفته منابع، شیرویه نیز برای حفظ جان خود به سمت ماد سفر کرد (رویدادنامه خوزستان، ۱۳۹۵: ۸۷)، اما سرانجام خود او نیز قربانی این بیماری می‌شود و پس از آن، طاعون چند بار دیگر از جمله با ورود سپاهیان مسلمان به ایرانشهر در تیسفون شایع می‌شود (چوکسی، ۱۳۹۳: ۷۶). بیشتر جمعیت تیسفون بر اثر این بیماری از بین می‌رود (مسکویه، ۱۳۸۹: ۲۳۲). شدت اثرات جمعیتی این بیماری باعث می‌شود که تیسفون پایتخت ساسانیان به تدریج شکوه و اهمیت خود را از دست داده و رو به افول و انزوا می‌گذارد (دریایی، ۱۳۹۷: ۷۷). می‌توان تصور کرد که این وقایع تا چه حد می‌توانسته توان دفاعی پایتخت و حتی آمادگی افراد مسئول را برای سامان بخشیدن به اوضاع آشفته کشور تضعیف کرده باشد.

پس از شیرویه، اردشیر پسر خردسال او در تیسفون تاج گذاری کرد و امور کشور به دست مه آذر گشنسب داده شده که خوانسالار دربار بود و او تا حدودی توانست سر و سامانی به اوضاع دهد (طبری،

مختصر میان نخیرخان و مسلمانان که به کشته شدن سپاهسالار ایران انجامید، مسلمانان شهر ساباط یا بلاش آباد را فتح کردند (بلاذری، ۱۳۶۷:۳۷۵). بلاش آباد آخرین جایی بود که رستم فرخزاد قبل از عزیمت به قادسیه به دلیل نزدیکی به بادیه نشینان آنجا اردو زده بود (محمدی ملایری، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۱). پس از آن، مسلمانان وهاردشیر را در محاصره گرفته و با منجیق و تجهیزات دیگر دیوارهای شهر را آماج حملات خود قرار داده بودند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۰۷). در آن زمان استحکامات و برج‌های وهاردشیر که میان دیوارهای استوارش به خوبی با مصالح پر شده بود، توانستند همانگونه که حمله ارتش ژولیان^۱ را در سال ۳۶۳ م. دفع کنند، به مدت دو ماه اعراب را از شهر دور نگه دارند (Simpson, 2017:26).

اعراب ناچار برای فتح شهر از ایرانیان کمک می‌گیرند و شخصی به نام شیرزاد تعداد بیست منجیق برای تقویت حملات اعراب می‌سازد (مسکویه، ۱۳۸۹:۳۳۱). علاوه بر دیوارهای مستحکم، شهر وهاردشیر به وسیله خندق‌هایی نیز محافظت می‌شد (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۰۷). به نظر می‌رسد که ساخت سازه‌های آبی و به کارگیری انواع مصالح ساختمانی نظیر خاک، سنگ، الوار و غیره؛ سازندگان آنها را به آسانی به سازندگان خندق‌ها، دیوارها و برج و باروهای مستحکم تبدیل کرد و ایرانیان نیز توانستند با استفاده از این تجربه، چنین سازه‌های دفاعی برپا کنند (ویتفولگ، ۱۳۹۱:۶۵). مدت دو ماه محاصره شهر را دچار قطعی می‌سازد و مردم به ناچار شهر را تخلیه و مسلمانان در سال ۱۶هـ ق/۶۳۷ م. به وهاردشیر وارد می‌شوند (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۴۲۵). ایرانیان پل‌های ارتباطی شهر را با مشرق دجله بریده و در تیسفون متمرکز می‌شوند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۰۳). اعراب با راهنمایی یکی از مردم مدائن راه عبور از دجله را یافتند و خود را به رومیه یا ویه اندیو خسرو در جانب دیگر رود رسانند و در طول مسیر سلمان فارسی راهنمای آنان بود (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۴۳۰). رومیه به آسانی توسط چند تن از مقدمه سپاه اعراب گشوده می‌شود (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۷۶). علت این امر تخلیه شهر از نیروهای نظامی و مردم بود و پس از فتح وهاردشیر، یزدگرد سوم به همراه اشیاء سبک و گرانیه‌های خزانه به سمت حلوان رفت ولی اقلام گرانیه‌های دیگر مانند جامه‌ها و آبگینه‌ها و حتی احشام و خوردنی‌ها نصیب اعراب شد (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۱۵).

بلاذری بیان می‌کند که در سال گریختن یزدگرد، قحطی و طاعون در تیسفون شیوع یافته بود و حتی قسمتی از شهر به علت طغیان دجله زیر آب رفته بود (بلاذری، ۱۳۶۷: ۳۷۶-۳۷۵). این

حمله سپاهبدان ایران قرار می‌گیرد که بدون شک آثار مخربی بر تأسیسات دفاعی شهر داشته است. کشته شدن دو تن از سپاهبدان ایران، شهروارز و فرخ هرمزد در جنگ‌های داخلی، بیش از پیش نظامیان ایران را از هم گسیخته می‌سازد و بزرگان ایران در حالی یزدگرد سوم را از استخر به مدائن می‌آورند که آشوب سراسر کشور را فرا گرفته بود (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ج ۲: ۵۸۰).

یزدگرد سوم درحالی بر تخت سلطنت می‌نشیند که مصیبت‌های طبیعی و جنگ‌های داخلی، رمقی برای شاهنشاهی ساسانی باقی نگذاشته بود و آشفتگی اوضاع سیاسی؛ بر اوضاع اجتماعی نیز اثر گذاشته و مردم انسجام گروهی خود را برای تلاش و کوشش در جهت بهبودی اوضاع از دست می‌دهند (ثعالبی، ۱۳۶۸:۴۷۱). این درحالی است که بیشتر بزرگان در جنگ‌های داخلی و سپس جنگ قادسیه کشته شده و در نبود سپهسالاران نظامی، اعراب به راحتی تا مدائن پیشروی می‌کنند (Pourshariati, 2008:233-234). ظاهراً برخی اشراف نظامی از دیگر استان‌ها برای تقویت خطوط دفاعی پایتخت به تیسفون اعزام شده بودند ولی آنان نیز به دست اعراب از پای درآمدند، از آن جمله فیومان از میشان و فرخان اهوازی بودند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۰۳).

نبرد قادسیه در سال ۶۳۷ م. در جنوب آسورستان و مغرب حیره روی داد و پس از شکست سپاه ایران مردم محلی چندان مقاومتی در برابر اعراب از خود نشان ندادند (Frye, 1977:58). حتی گروهی از سپاهیان ایران نیز از جمله چهارهزار تن از جنگجویان دیلمی با نام حمراء به لشکر اعراب پیوستند و برای فتح مدائن با آنان همراه شدند (بلاذری، ۱۳۶۷:۳۹۹). آنها با دلایل سودجویانه، آزادی خود و سهمی از غنائم را به دست آوردند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۲). اقدام آنها زمینه‌ساز گرایش‌های بعدی ایرانیان به سپاه اعراب شد و به خصوص عمر به فرماندهان خود سفارش کرده بود تا از سواران ایرانی هر جا که لازم باشد، استفاده نمایند و آنها را از پرداخت جزیه معاف کنند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۰۳).

ایرانیان ساکن در امتداد دجله نیز می‌دانستند، در نبود سپاهیان کارآزموده، توان رویارویی با اعراب را ندارند و ترجیح دادند امنیت خود را با پرداخت مالیات سرانه و خراج حفظ کنند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۲۷). مسلمانان در مسیر پیشروی خود به سمت مدائن، با بازماندگان نبرد قادسیه در وهاردشیر برخورد می‌کنند که فرماندهی آنها را جمعی از بزرگان مانند نخیرخان، مهران رازی و هرمزان به سرکردگی فیروزان برعهده داشتند (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۴۲۱). پس از نبردی

مدائن برای ساخت شهر جدید کوفه به کار گرفته شد و مدائن به تدریج رو به ویرانی نهاد (بلعمی، ۱۳۶۶: ۴۷۰؛ طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۵۵). بدین ترتیب پایتخت دولت ساسانی که روزی رونق و آوازه آن در شرق و غرب پیچیده بود، از اواخر حکومت خسرو پرویز رو به زوال تدریجی نهاد. پس از فتح تیسفون، تسلط اعراب بر منطقه آسورستان حتمی شد و آنها برای فتح شهرهای مرکزی ایران و کسب غنائم بیشتر انگیزه‌ای دوچندان گرفتند.

۵- نتیجه

اقدامات نسنجیده خسرو پرویز در مورد فرمانروایی حیره در جنوب آسورستان و کشتن مردانشاه سپاهد جنوب، موجب قطع ارتباط شاهنشاهی با عوامل اصلی ثباتش در مرزهای بیابانی، تضعیف نهادهای سیاسی پایتخت و به دنبال آن آشفتگی کشورداری شده بود. رویدادهای سیاسی اواخر دوره ساسانی که تیسفون چندین بار مورد هجوم مدعیان تاج و تخت قرار گرفت، احتمالاً باعث تخریب بخشی از تأسیسات دفاعی شهر شده بود و این رویداد فتح شهر را برای مهاجمان بعدی تسهیل کرد.

از سوی دیگر، مشغول شدن ایرانیان در اختلافات داخلی و جنگ‌ها و عدم نگرانی و بازسازی سازه‌های آبی، موجب گسترش تالاب‌ها در آسورستان گردید و نواحی مهم کشاورزی توسط سیلاب‌های عظیم ویران شد. ایالت آسورستان که روزی بیشترین درآمد مالیاتی را نصیب ساسانیان می‌کرد، در سرآشایی سقوط قرار گرفته بود. تکیه بیش از حد دولت ساسانی بر درآمدهای این منطقه، پس از فروپاشی اقتصادی جبران‌ناپذیر بود. همبستگی رونق اقتصادی با توان نیروی نظامی دولت ساسانی، به گونه‌ای بود که زوال یکی، فروپاشی دیگری را در پی داشت. علاوه بر آن هجوم اعراب به مدائن با افول این شهر بر اثر زنجیره‌ای از جنگ‌ها و بلایایی نظیر سیل و طاعون، مقارن گشته بود. شیوع طاعون، علاوه بر آثار جمعیت‌شناختی، معیشت جمعیت ساکن در مدائن را مختل کرد و دولت را در ایجاد همدمی بین بزرگان و مردم ناتوان ساخت. علاوه بر آن، سیاست کوچاندن خانوارها و تغییر دین برخی از ساکنین با برهم زدن ترکیب جمعیتی شهر، تأثیرات منفی در مقاومت ایرانیان داشت. بسیاری از اهالی و در رأس آنها دهقانان، برای بهبود بخشیدن به وضع معیشت یا حفظ امتیازات خود، ناچار به مصالحه و همکاری با اعراب شدند و انسجام نیروهای دفاعی آسورستان را از هم گسیخت. هنگامی که شهرها دیگر قادر به پشتیبانی و فراهم آوردن تدارک لازم سپاهیان برای مقابله با اعراب نبودند، مقاومتشان درهم شکسته شد.

توصیفات نمودار وضعیت ناگوار و نابسامان پایتخت ساسانیان و زوال تدریجی آن در حساس‌ترین زمان حیات این دولت است. بدین ترتیب فتح اعراب در دوره‌ای از افول آسورستان رخ داد که این ایالت به وسیله زنجیره‌ای از جنگ‌ها و بلایایی نظیر سیل و طاعون بلازده شده بود (Christensen, 2016:73). اندک سپاه‌یانی که برای دفاع از پایتخت آخرین تلاش‌های خویش را به کار بردند؛ روحیه خویش را از کف داده و به همراه خره‌زاد برادر رستم که از سوی یزدگرد سوم مأموریت دفاع از شهر را برعهده داشت، به سمت جلولا عقب نشینی کردند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۷۲).

پس از عقب‌نشینی یزدگرد سوم، مردمی که همچنان در شهر باقی مانده بودند، از پذیرش اسلام سربار زدند و پذیرفتند که جزیه بپردازند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۹۵). سلمان فارسی وظیفه دعوت ایرانیان را به اسلام برعهده داشت (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۱۶). هرچند در سال‌های بعد با تثبیت و افزایش قدرت مسلمانان در مرکز، عقاید آنها نیز به سرعت در شهرهای متراکم آسورستان گسترش یافت (چوکسی، ۱۳۹۳: ۹۶). بسیاری از کشاورزان، منطقه را تخلیه و حدود صد هزار نفر از آنان به اسارت درآمدند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳، ج ۴: ۱۴۲۵). بسیاری از آنان برای کار بر روی زمین‌ها و پرداخت جزیه و خراج بازگردانده شدند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۰۶). پس از اسارت مردم و غارت شهرهای منطقه، اعراب به تعقیب فراریان پرداختند و توانستند به بخش دیگری از خزائن یزدگرد که توسط خره‌زاد در حال انتقال به آذربایجان بود، دست پیدا کنند (سبئوس، ۱۳۹۶: ۲۱۰). با از دست رفتن ثروتی که می‌توانست در گردآوری سپاه و تدارک نبردهای بعدی به یاری شاهنشاه بیاید، توان مالی دولت سرگردان بیش از پیش تضعیف شد و برعکس اعراب را نیروی بیشتری بخشید. پس از فتح مدائن و افزایش تمرکز و هجوم سپاهیان عرب برای حمله به سایر نقاط ایران، کشاورزان و دهقانان منطقه به بازسازی راه‌ها و پل‌ها پرداختند و وظیفه راهنمایی و پذیرایی از مهاجرانی را برعهده گرفتند که به امید کسب غنیمت به سپاه مسلمانان می‌پیوستند (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۸۳۶).

با ورود مهاجران عرب، به تدریج ترکیب جمعیتی منطقه به سود آنها رو به تغییر نهاد (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۷۶۴). کوفه در نزدیکی مدائن برای سکونت بیش از یکصد هزار جنگجوی عرب بنا نهاده شد (طبری، ۱۳۸۳، ج ۵: ۱۹۹۵). این مهاجرت‌ها هرگز آسیب‌های جمعیتی ناشی از طاعون را جبران نکرد و به نظر می‌رسد بنای کوفه و بصره بیشتر به دلایل نظامی و برقراری راهی مشخص برای عقب‌نشینی در صورت حمله ایرانیان و حملات بیشتر به خوزستان و پارس بود (Christensen, 2016:86-87). مصالح ساختمان‌های

یادداشت‌ها کتابنامه

شارع‌پور، محمود (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی شهری*. چاپ سوم، تهران: سمت.

شهرستان‌های ایران (۱۳۸۸). آوانویسی، ترجمه فارسی و یادداشت‌ها از تورج دریایی، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۳). *تاریخ الرسل و الملوك*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ سوم، تهران: اساطیر.

قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). *تاریخ قم*. ترجمه حسن بن علی قمی، تصحیح و تحشیه سیدجلال‌الدین تهرانی، تهران: توس.

کاهن، کلود (۱۳۹۴). «قبایل، شهرها و سازمان‌های اجتماعی». در: *تاریخ ایران* کیمبریج. گردآورنده: ریچارد نلسون فرای، ترجمه حسن انوشه، جلد چهارم، چاپ یازدهم، تهران: امیر کبیر، ۲۶۳-۲۸۲.

کریستن سن، آرتور امانوئل (۱۳۶۸). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

کولسنیکف، الی ایوانوویچ (۱۳۸۹). *ایران در آستانه سقوط ساسانیان*. ترجمه محمدرفیق یحیایی، تهران: کندوکاو.

لسترنج، گای (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.

مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳). *ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*. ترجمه مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.

مجیدی، حسین (۱۳۹۸). *ایران‌شهر: شناخت شهرهای ایران باستان در دوران هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان*. چاپ دوم، تهران: پازینه.

محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۹). *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*. جلد اول تا پنجم، چاپ دوم، تهران: توس.

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲). *مروج الذهب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: علمی و فرهنگی.

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۹۰). *تنبیه الاشراف*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.

مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۸۹). *تجارب الامم*. ترجمه و تحشیه ابوالقاسم امامی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: سروش.

وبر، ماکس (۱۳۹۳). *شهر در گذر زمان*. ترجمه شیدا کاویانی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ویتفولگ، کارل آوگوست (۱۳۹۱). *استبداد شرقی: بررسی تطبیقی قدرت تام*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۵۶). *البلدان*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی، جلد اول و دوم، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.

ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل (۱۳۴۹). *تقویم البلدان*. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ابن بلخی (۱۳۷۴). *فارسنامه*. مصحح لسترنج و نیکلسن، توضیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

ابن خردادبه، عبیداله بن عبدالله (۱۳۷۱). *المسالك و الممالک*. ترجمه سعید خاکرند، تهران: میراث ملل.

ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۳). *الکامل فی التاریخ*. ترجمه سید محمد حسین روحانی، تهران: اساطیر.

آلتهایم، فرانتس. اشتیل، روت (۱۳۹۱). *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*. ترجمه هوشنگ صادقی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.

برونر، کریستوفر (۱۳۹۳). «تقسیمات جغرافیایی و اداری: ماندگاه‌ها و اقتصاد». در: *تاریخ ایران* کیمبریج. گردآورنده: احسان یارشاطر. ترجمه حسن انوشه، جلد سوم - قسمت دوم، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر، ۱۸۸-۱۴۹.

بلادزی، احمد بن یحیی (۱۳۶۷). *فتوح البلدان*. ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.

بلعی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۹۲). *تاریخ: تکمله و ترجمه تاریخ طبری*، تهران: البرز.

پیکولوسکایا، نینا ویکتوروننا (۱۳۸۷). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه عنایت اله رضا، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.

تفضلی، احمد (۱۳۸۷). *جامعه ساسانی: ارتشداران، دبیران، دهقانان*. ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

جلیلیان، شهرام (۱۳۹۶). *تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان*، تهران: انتشارات سمت.

چوکسی، جمشید کرشاسب (۱۳۹۳). *ستیز و سازش: زردشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی*. ترجمه نادر میرسعیدی، چاپ هفتم، تهران: ققنوس.

دریایی، تورج (۱۳۹۷). *جهان ساسانی*. ترجمه مهناز بابایی، تهران: فروهر.

دریایی، تورج. رضاخانی، خداداد (۱۳۹۷). *از جیحون تا فرات: ایران‌شهر و دنیای ساسانی*. ترجمه مریم بیجوند، تهران: مروارید.

دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۹۵). *اخبار الطوال*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ دهم، تهران: نی.

رویدادنامه خوزستان (۱۳۹۵). ترجمه و تعلیقات: خداداد رضاخانی و سجاد امیری باوندپور، تهران: سینا.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۴ الف). *روزگاران*. چاپ پانزدهم، تهران: سخن.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۴ ب). *تاریخ مردم ایران: ایران قبل از اسلام*. جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران: امیر کبیر.

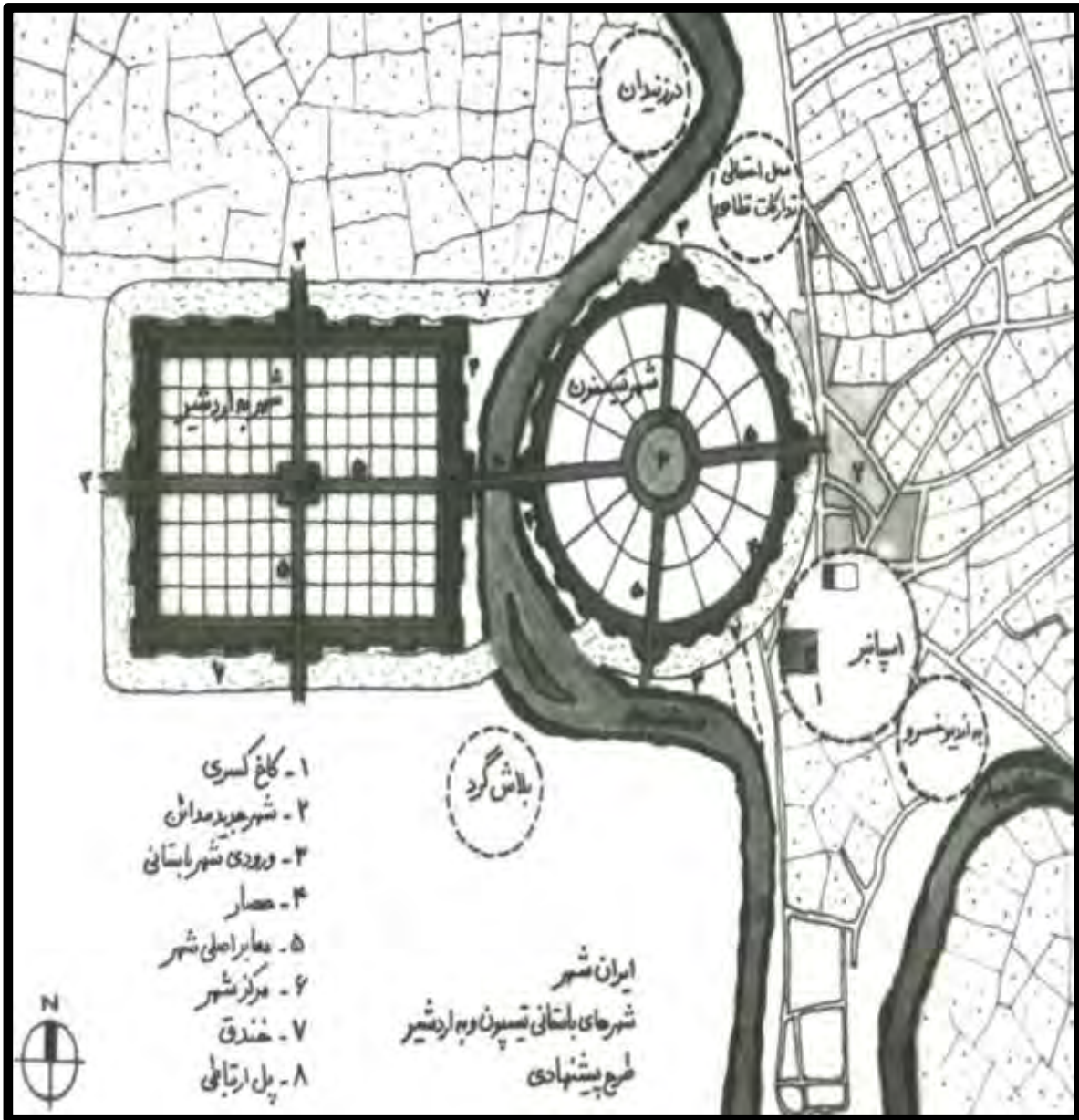
سبتوس (۱۳۹۶). *تاریخ*. بر پایه ترجمه آر. دلبلیو. تامسون و مقابله با نسخه رابرت پتروسیان، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران: ققنوس.

References

- Adams, R.McC.(1981). *Heartland of Cities: Surveys of Ancient Settlement and Land Use on the Central Floodplain of the Euphrates*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- Christensen, P.(2016). *The Decline of Iranshahr*. Translate from Danish by Sampson S, London and New York: I.B.Tauris & co Ltd.
- Donner, F.M.(1981). *The Early Islamic Conquests*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Frye, R.N.(1977). *The Golden Age of Persia: The Arab in The East*. London: Weidenfeld and Nicolson.
- Howard-Johnston, J.(2012). The Late Sasanian Army. *Late Antiquity: Eastern Perspectives*. Bernheimer, T. Silverstein, A(Eds.). London: The Gibb Memorial Trust. 87-127.
- Kennedy, H.(2006). From Shahrīstan to Medina. *Studia Islamica*, 102/103,5-34.
- Miri, N.(2012). *Sasanian Pārs: Historical Geography and Administrative Organization*. Costa Mesa, California: Mazda Puplicher.
- Morony, M.G.(1984). *Iraq After the Muslim Conquest*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Morony, M.G.(2009). MADĀ'EN. *Encyclopædia Iranica*, available online at <<https://iranicaonline.org/articles/madaen-sasanian-metropolitan-area>> (Last Updated 20 April 2009).
- Morony, M.G. (2012). Iraq in the Late Sasanid and Early Islamic Eras. *Encyclopædia Iranica*, Vol XIII(5), 543-550. available online at <<https://iranicaonline.org/articles/iraq-i-late-sasanid-early-islamic>> (Last Updated 30 March 2012).
- Pourshariati, P.(2008). *Decline and fall of the sasanian Empire*. London and New York: I.B. Tauris & co Ltd.
- Simpson, ST J. (2017). Sasanian Cities: Archaeological Perspectives on the Urban Economy and Built Environment of an Empire. *Sasanian Persia : between rome and the stepps of Eurasia*. Sauer E.W(Ed.). Edinburgh: Edinburgh University Press.21-50.
- Simpson, ST J.(2016). Ard Maysan and the Land behind Basrah in Late Antiquity. *Basra Its History, Culture and Heritage*. Collins P(Ed.). Dorchester: Dorset Press.35-47.
- Widengren, G.(1987). Āsōristān. *Encyclopædia Iranica*, Vol II(8),785-786. available online at <<http://www.iranicaonline.org/articles/asoristan>> (accessed on 30 December 2012).
- Wu, C.(2015). Moving from Urban Sociology to the Sociology of the City. *the American sociologist*, 47 (1),102-114.



نقشه ۱. خوربران یا کوست غرب ساسانی مشتمل بر میان‌رودان و شهر مرکزی مدائن (Morony, 2012)



نقشه ۲. شهر مدائن (مجیدی، ۱۳۹۸: ۹۲)